

این نتایج را جدیداً تجارب بایکین باثبات رسانیده است ولی در انسان بعلت اینکه مغز او دائماً کار میکند و نمیتوان اثرات روحی را بطور کامل در او از بین برد ترشح معده تقریباً دائم است و همیشه مقداری اسید در معده یافت میشود با وجود اینکه از نظر تشریحی و طرز کار غده مترشح معده اساساً تفاوتی بین معده انسان و سگ وجود ندارد. علت این دوام ترشح شاید مرمی بوط بکوتاه تر بودن فاصله بین غذاها در انسان و احتمالاً هم نظوریکه گفته شد عدم امکان از بین بردن کامل اثر روحی در انسان باشد این ترشح در طول خواب افزایش می یابد. پس بطور خلاصه چنین نتیجه گرفته میشود که در انسان در موقع ناشتا (یعنی بین دو خوراک) همیشه مقداری ترشح در معده موجود است که در حال طبیعی در فاصله ۱۲ ساعت از ۱۸ میلی اکیوالان تجاوز نمیکند و مقدار آن ۵۰ سی سی است و در صورتیکه بواسطه ورود غذا خنثی نشود بتدریج ممکنست کمتر شود و تا مادام که مانعی در تخلیه معده موجود نباشد و ازدیاد ترشح (یعنی که سابقاً گفته شد) موجود نباشد مقاومت جدار معده ورود طبیعی باشد مطلقاً اثر زبان بخشی نخواهد داشت و اولسری تولید نخواهد شد. برعکس اگر علل فوق وجود داشته باشد و مخصوصاً اگر ناراحتی روحی شدید باشد و شخص از نظر مزاجی استعداد داشته باشد و معتاد بکشیدن دخانیات بمقدار زیاد باشد و عادت به زود زود غذا خوردن داشته باشد مسلمانم اسید ترشح شده مقدارش زیادتر بوده هم غلظت آن بیشتر شده و هم مقاومت جدار معده وروده او کمتر شده و در نتیجه استعداد به گرفتن اولسر زیادتر خواهد بود که آن ربطی بروزه ندارد بلکه برعکس روزه با بالا بردن قدرت روحی و ایمان شخص سازگاری او را با محیط بیشتر کرده به اوصبر و حوصله آموخته و احساسات او را مهار کرده ضمناً با اعتیاد به کم خوردی و لویکساه در سال باشد به او می آموزد که بعوض زود زود غذا خوردن بهتر است کمتر و دیرتر غذا خورد و بیشتر و بهتر کار کرد و جهازها ضمه را به کم خوردی عادت داد زیرا هم نظور که کرا در معرض شد قسمت اعظم مردم شهر نشین مخصوصاً شهرهای متمدن و طمیقات بالای اجتماع (از نظر رفاه و آسایش) خیلی بیشتر از احتیاج خود غذا و تنقلات میخورند و اگر همه سعی کنند از کودکی اطفال خود را به کم خوردی و زیاد کردن فواصل غذا عادت دهند آنها را از بسیاری ناراحتیها برکنار خواهند داشت زیرا همان نظور که رسول اکرم فرموده: «المعدة بيت كل داء» و الحمية رأس كل دواء: یعنی معده خانه هر بیماری است و پرهیز و کم خوردگی بالاترین داروست.

آیا اشخاص مبتلا به اولسر میتوانند روزه بگیرند؟

همه میدانیم که بیماری اولسر مخصوصاً نوع اثنی عشری آنها که فراوانتر است بیماری مزمنی است که بطور دوری مخصوصاً در فصول بهار و پاییز و در مواقیکه شخص تغییر مکان میدهد یا ناراحتی روحی پیدا می کند عود میکند و بعد از سه تا شش هفته بهبودی یافته جوش میخورد و بعد در همان نقطه (در زخم معده) یا نقطه دیگر در مجاورت اولسر قبلی (در زخم اثنی عشر) زخم جدیدی بوجود می آید - در این دوره حاد، که معمولاً درد و ناراحتی بیمار فراوان است (بقیه در صفحه ۶۹)

ابورافع؟!

پایه گذار حدیث در شیعه

تاریخ پر افتخار تشیع حاکی است که اسلام (گواهی به یگانگی خدادادن و اعتراف به روز رستاخیز و نبوت حضرت محمد) (س) و تشیع (خلافت بلا فصل امیر مؤمنان از پیامبر) در یک روز بوجود آمده اند حتی روزیکه پیامبر خویشاوندان خود را دعوت به اسلام نمود، خلافت علی را نیز اعلام کرد و تمام مفسران و سیره نویسان این مطلب را در تفسیر آیه **و انذر عشیرتک الاقرین** نقل نموده اند.

مسلمانان پس از فوت پیامبر دودسته شدند، دسته ای بهمین روش و منوال باقی ماندند، و از پیروان واقعی علی بودند، ولی اکثریت مردم موضوع مشاوره و استخارات را در باب امامت بمیان آوردند، ولیاس خلافت را بر اندام ابی بکر پوشانیدند.

در این فصل نومجمله، شخصیتهائی از صحابه پیامبر مورد بحث است که پس از رحلت پیامبر در روش خود تغییری ندادند، و پیروی خود را نسبت به علی (ع) حفظ نمودند شرح زندگانی این مردان بزرگ علاوه بر اینکه بحثهای اجتماعی و آموزنده ای دارد، اصالت و قدمت و ریشه تشیع را با دلایل قطعی تاریخی روشن میسازد.



خانندان ابورافع، از بیوت عریق و ریشه دار شیعه است، که پایه گذاران خود ابورافع بوده است، او مدتها غلام عباس و سپس افتخار غلامی پیامبر اکرم داشت، وقتی اسلام عباس را به پیامبر بشارت داد، حضرتش او را آزاد ساخت، ما با نام او برای اولین بار در تاریخ جنگ بدر آشنا میشویم «بدر» نام منطقه ایست که آب مختصری در آنجا وجود دارد و دلاوران قریش، برای کمک به کاروانی که سرپرست آن «ابوسفیان» بود، وگزارش داده بود که کاروان از ناحیه سر بازار اسلام در خطر محاصره است، به آن نقطه آمدند، با اینکه کاروان بدون آسیب از منطقه مسلمانان عبور کرده بود مع الوصف ارتش قریش و سران آنها تصمیم گرفتند که سازمان نو بنیاد اسلام را درهم شکنند، و بالا اقل مسلمانان را سخت گوشمال دهند دو سپاه در نقطه ای بنام «بدر» روبرو شدند و با آنکه شماره آنها ۳ برابر ارتش اسلام بود، با دادن ۷۰ کشته، با یقین گذارند.

ابورافع میگوید: من آن روز در مکه غلام عباس بودم، و من و عباس و همسر او ام الفضل از

پيروان آئين اسلام بودند ، ولی عیاس اسلام خود را پنهان میکرد ، زیرا ثروت او در دست قریش بود ، حتی بقدری در این باره از طریق تقيه رفتار مینمود ، که در جنگ بدر ناچار شد که همراه ارتش ، حرکت کند ، زیرا شخصیت های بزرگ قریش اعلام کرده بودند که یا باید افراد متمکن در این نبرد شرکت جویند و یا باید نماینده فرستند ابو جهل و دیگران در جنگ شخصاً شرکت کردند و ابولهب ، با دادن مبلغی نماینده فرستاد ، ولی عیاس شاید روی علاقه خاصی که به مال دنیا داشت و یا اینکه اگر خود شخصاً شرکت کند ممکن است صدمه ای به مسلمانان نرزد و یا برای جهات دیگر که اکنون بر ما پنهان است ، شخصاً شرکت کرد ، و بالنتیجه اسیر شد و با دادن مبلغی آزاد گشت .

نیز ابورافع میگوید : هنوز خبری از ارتش قریش ، از پیروزی و شکست آنها ، بدست نیامده بود ، و سراسر مکه در تگرانی و سکوت و وحشت آوری فرو رفته بودند که ناگهان «ابوسفیان بن حارث» اولین خبر گزار وارد مکه گردید ، و من و همسر عیاس «ام الفضل» در اتاقی که در آن بکوجه باز میشد نشسته بودیم . و پرده ای میان ما و کوجه حائل بود . من به گفتگوی ابوسفیان و ابولهب گوش دادم ، شنیدم میگوید : «ابولهب قریش در این نبرد علاوه بر ابطال و قهرمانان اسلام ، بایک دسته سفید پوشانی روبرو شد ، که با اندک اشاره ای قدرت و نیرو از ما سلب میکردند و ما را از پای در میآوردند» . من در این لحظه پرده خانه را بالا زدم و گفتم : آنها فرشتگان الهی بودند که بیاری مسلمانان آمده بودند ، خبرهای وحشت آور فرزند «حارث» مانند کشته شدن «ابوجهل» و «شیبه» و «عنبه» و چند تن دیگر از قهرمانان عرب آیینان لرزه بر اندام «ابولهب» افکنده بود که نزدیک بود ، در آن لحظه قالب تهی کند ، جرأت و جسارت من که رسماً طرفداری از اسلام بود ، خشم ابولهب را تحریک کرد ، وسیلی محکمی به صورت من نواخت . ام الفضل از مشاهده اوضاع سخت ناراحت شد ، چوبی برداشت ، و بر سر ابولهب کوبید که خون از سر او بیرون ریخت . و گفت : در غیاب عباس جسارت تو تا این اندازه رسیده که غلام او را سیلی بزنی (۱) .

این صراحت گفتار حاکی از ایمان راسخ ، و عشق به حقیقت است ، او با اینکه از قساوت طرف آگاه بود ، اما نتوانست از ابراز حقیقت ، خود داری کند ، و این صفت برجسته در زندگی ابورافع نمایانست و ما بعنوان نمونه داستان زیر را که حاکی از صراحت لهجه او است در اینجا میآوریم :

ابورافع و صراحت در گفتار

بر افراد روشن ضمیر که باصفحات تاریخ سر و کار دارند ، واضح است دروسی که علی بن ابیطالب (ع) الیاس خلافت را بر اندام خود پوشید ، خشم گروهی را برانگیخت ، دسته ای که فضائل و مناقب امیر مؤمنان را از پیامبر اکرم شنیده بودند ، از گفتن حقائق استنکاف میکردند

مردم عراق و شام و مصر که پس از قوت پیامبر ، اسلام آورده بودند ، تشنه شنیدن گفتارهای پیامبر بودند خصوصاً که گوشه و کنار فضائل علی را می شنیدند ! ولی همان دسته پرده روی حقیقت افکنده ، و از روی حسد و کینه ، و باطمینان و آزی که از دستگاه معاویه داشتند حقائق مسلم را پنهان میکردند ، و شما در زندگانی ابویوب انصاری میخوانید که امیر مؤمنان در یک اجتماع بزرگ که میان آنها در صحابه پیامبر اکرم وجود ، داشت چنین گفت : هر کس از شما احدیت من گنت مولا فهذا علی مولا ، را از پیامبر شنیده بر خیزد و شهادت دهد ، گروهی برخاسته و شهادت دادند ، ولی انس و همزدیفان او از ابراز حقیقت ، خودداری نمودند مشمول نفرین امیر مؤمنان شدند .

ولی ما ابورافع را در صراحت گفتار در نقطه مقابل آنان مینماییم ، او هنگامیکه علی (ع)

بخلاف رسید ، یک فرد سالخورده ای بود که سن او میان هشتاد و نود ، دور میزد ، ولی در رکاب امیر مؤمنان شرکت کرده و به کوفه هجرت نمود ، و رو ب مردم کرده چنین گفت :

امروز کسی مقام و منزلت مرا ندارد ، در دو پیمان با رسول خدا شرکت کرده ام یکی بیعت عقبه ، دومی بیعت رضوان در پیمان حدیبیه (۱) و سه بار هجرت نموده ام ، مردم گفتند : منظور از این سه هجرت چیست گفت : یکبار در رکاب جعفر بن ابیطالب بسوی حبشه مهاجرت نموده ام باردیگر پس از هجرت رسول خدا ، از مکه بسوی مدینه کوچ نموده ، و هم اکنون از مدینه در خدمت امیر مؤمنان (علی بن ابیطالب) بسوی کوفه میروم ، سپس افزود : هان ای مردم ، علی برای سر کوبی پیمان شکنان می رود که پیمان شکنانی مانند طلحه و زبیر را گوشمال دهد . و شرکت در این جهاد لازم و فرض است و من از پیامبر شنیده ام که فرمود : سیقات علی اقوم یكون حقا علی الله جهادهم (۲)

ابورافع و آیه انما ولیکم الله ورسوله ...

محدثان و سیره نویسان میگویند آیه فوق در باره علی نازل گردیده است . و اسناد روایات و متون سخنان آنها در کتابهای کلام و حدیث بطور مشروح مذکور است ، و همگی اتفاق دارند که امیر مؤمنان در حال نماز انگشتر خویش را به فقیری داد ، و آیه فوق در حق وی نازل گردید و مضمون آن اینست که : خدا و رسول او و کسانی که بخدا ایمان آورده ، و در حال نماز صدقه میدهند اولیاء شما هستند .

ابورافع میگوید : من وارد خانه رسول خدا شدم دیدم در میان اتاق خوابیده ، و جانوری موزی نیز در گوشه اتاق است فکر کردم که اگر دست بکشتم جانور بزم شاید پیامبر خدا را از خواب بیدار کنم - لذا - تصمیم گرفتم که در کنار پیامبر بشینم و او را از آسیب حفظ نمایم چیزی نکشتم که پیامبر از خواب بیدار گشت و آیه انما ولیکم الله ورسوله ... را تلاوت مینمود و سپس یاد آور

(۱) به تفسیر آیه لقد رضی الله عن المؤمنین اذ یبایعونک (آیه ۱۸ سوره فتح) مراجعه شود .

(۲) فهرست نجاشی ص ۴

کتابخانه عمومی مکتب اسلام

کتابهای تازه

بخش اول: اسامی و خصوصیات کتابهایی که از طرف مؤلفین و ناشرین محترم

بکتابخانه عمومی مکتب اسلام رسیده است

- ۱- تشیع: تألیف سلمان غفاری. رقیی
زرکوب ۲۳۰ صفحه
از انتشارات مؤسسه فراہانی تهران
- ۲- شراللتالی در شرح قلم اللتالی: تألیف
علامہ مرحوم میرزا محمد علی خیا بانی تبریزی
(معروف به مدرس) شمیم ۱۲۹ صفحه از
انتشارات چا پخانه و گراور سازی شماری
- ۳- کتاب آسمانی کدام است؟: تألیف سلمان
غفاری رقیی شمیم ۲۴۰ صفحه از انتشارات
چا پخانه حیدری تهران.
- ۴- جوان و غریزه جنسی: تألیف سید محمد-
رضا جوهری زاده شمیم جیبی ۲۳۲ صفحه از
انتشارات مؤسسه مطبوعاتی فراہانی تهران.
- ۵- اسلام و تبعیضات نژادی: تألیف علی
حجتی کرمانی چاپ دوم با مقدمه ای از مهندس
مهدی بازرگان، شمیم، جیبی از انتشارات
- ۶- اسلام و عقاید و آراء بشری: تألیف یحیی
نوری، وزیر، سلیمونی ۲۲۵ صفحه از انتشارات
مؤسسه مطبوعاتی فراہانی تهران
- ۷- ۸- ۹- ۱۰- تجدید الدوارس ۴ جلد تألیف
محمد علی المعزی الذوقلی:
ج ۱- ۴۱۰ صفحه ج ۲- ۴۲۲ صفحه ج ۳- ۲۹۷
صفحه ج ۴- ۲۲۷ صفحه.
(فقه استدلالی)
- ۱۱- لبخند بیخ: تألیف فریدون صابر، شمیم
۱۴۴ صفحه از انتشارات سازمان مطبوعاتی
مرجان تهران
(شامل چند داستان)
- ۱۲- فارس نامه ابن بلخی: تألیف ابن بلخی
شمیم جیبی ۲۱۶ صفحه از انتشارات مؤسسه
مطبوعاتی فراہانی تهران.
(مطالعی درباره جغرافیای کشور ایران در
عهد سلجوقیان)

شد که گروهی پس از مرگ او با علی نبرد مینمایند و رو بمن کرده گفت: **کیف انت و قومنا بقا تلون علیا هو علی الحق و هم علی الباطل** یعنی ای بورافع حال تو چگونگی میشود وقتی دستهای که بر باطنند با علی که بر حق است نبرد کنند من از شنیدن این جمله سخت تکان خوردم از حضرتش خواستم دعا فرماید تا من در چنین روزی امیر مؤمنان را یاری نمایم سپس من و پیامبر از خانه بیرون آمدم پیامبر مرا به مردم چنین معرفی کرد و فرمود: **من احب ان ینظر الی امینی علی نفسی و اهلی فیهذا ابو رافع امینی علی نفسی**: هان ای مردم هر کس مایل است مردی را بشناسد که او را بر جان و اهل خویش امین میدانم به او بورافع بنگرد که او از هر نظر پیش من امین است (۱)

(۱) فهرست نجاشی ص ۴

درسی برای مسلمانان

موج تازه و عشاء ربانی، در جهان مسیحیت که فرقه‌های متخاصم را یکدیگر نزدیکتر می‌سازد، **برای مسلمانان درس بزرگی است**.
توضیح گفتار اینکه: در تاریخ ۲۹ اکتبر، اسقف بزرگ ارتودوکس شرقی بنام «اتنوگوراس» هنگامیکه برای زیارت بهواتیکان مقدس رفت، مدت بیست دقیقه روی تخت پاپ جلوس نمود و دوازده نفر از مسیحیان ارتودوکس را در آنجا بحضور پذیرفت.
این عمل اقدام جالبی بود که پاپ و پل در راه وحدت کلیسای کاتولیک با کلیسای ارتودوکس - که در طی هزار سال اخیر با یکدیگر نزاع و خصومت داشتند - انجام داد.
اقدام اول پاپ این بود که طی سفر به استانبول در کلیسای ارتودوکس با اسقف اعظم این فرقه ملاقات نمود.
اگر متذکر باشیم که پاپ - با توجه باینکه پیر و انش او را معصوم میدانند - بچنین ابتکاری دست زده، آنوقت ارزش مساعی وی بیشتر روشن خواهد شد.
باری با اینکه رهبر هیچ فرقه مسلمانان معصوم شناخته نمیشود آيا شگفت آور نیست که تا کنون هیچک از رهبران مسلمان دست بکار چنین اقدامی نگردیده است؟ (۱)
بهر حال مبارزه‌های لامذهبی و فعالیت‌های ضد خدا که در این اواخر آغاز شده کلیساهای مسیحیت را ناگزیر ساخته است تا با یکدیگر نزدیک شوند، در اینصورت بیدیهی است ایجاد وحدت برای فرقه‌های مسلمان بطریق اولی لازم و ضروری است و باید بکوشند تا هر چه زودتر یکدیگر پیوسته و متحد شوند.
(ترجمه از مجله «هنگی» تابش» ناشر افکار مسلمانان هند، چاپ دهلی)

(۱) مرحوم شیخ محمود ثلثوت (ده) در حد خود این راه را باز کرد (مترجم)